

A Document-Based Critique of Hadiths about Burning of Human Beings in Imam Ali (PBUH)'s Conduct

Mohammad Amraei*, Daryush Nazari**

Mojtaba Garvand***

Abstract

Based on some hadith and historical texts, in a few cases of meting out jurisprudentially fixed punishments (*hudūd*) to exaggerators in veneration of the Muslim Prophet and his family (*ghulāt*), apostates, and infidels, Imam Ali (PBUH) ordered that some criminal individuals be burned, and at times he personally exerted the punishment. Shiite and Sunni sources have disagreements over some details and themes of, and facts related to the hadiths. Hadiths about burning of human beings in Imam Ali (PBUH)'s conduct include both immolation and cremation, but being choked to death by smoke from the fire should also be considered due to confusions in the texts of the hadiths. In the present study, an attempt has been made to extract all the relevant hadiths from the historical and hadith sources, and to examine and analyze their documentation. To this aim, all those hadiths with their different chain of narrators will be quoted and then critiqued.

Keywords: Imam Ali (PBUH), immolation, cremation, apostasy, ghulāt, hudūd.

* PhD Student of the History of Islam, Lorestan University, papilonawaz94@gmail.com

** Associate Professor of the History of Islam, Lorestan University (Correspondent Author), nazari.d@lu.ac.ir

*** Associate Professor of the History of Islam, Lorestan University, garavand.m@lu.ac.ir

Date received: 2022/04/06, Date of acceptance: 2023/01/19



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نقد سندی روایات انسان‌سوزی در سیره‌ی امام علی(ع)

محمد امرایی*

داریوش نظری**، مجتبی گراوند***

چکیده

بر اساس برخی از متون تاریخی-حدیثی، امام علی(ع) در چندین موضع - درباره‌ی غالیان، مرتدان، زنداقه، و اجرای برخی حدود شرعی- حکم به سوزاندن برخی افراد مجرم داده و گاهی خود شخصاً اقدام به این امر نموده است. منابع شیعی و سنی در برخی جزئیات، مضامین و مصادیق این روایات با هم اختلاف دارند. روایات انسان‌سوزی در سیره‌ی امام علی(ع) دو گونه‌ی «زنده سوزی» و «جنازه سوزی» را شامل می‌شود، ولی گونه‌ی «خفگی با دود آتش» را نیز به دلیل اختلاط و اضطراب متن روایات انسان‌سوزی، باید مورد بررسی قرار داد. در پژوهش پیش رو، تلاش شده است تا تمامی روایات مزبور از منابع تاریخی-حدیثی استخراج شوند و مورد بررسی و تحلیل سندی قرار گیرند. بدین منظور، با استفاده از روش نقد رجال حدیث، همه‌ی آن روایات با طُرُق مختلفشان، نقل و سپس نقد خواهند شد.

کلیدواژه‌ها: امام علی(ع)، زنده‌سوزی، جنازه‌سوزی، ارتداد، غالیان، حدود.

* دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه لرستان، papilonawaz94@gmail.com

** استادیار تاریخ اسلام، دانشگاه لرستان (نویسندهٔ مسئول)، nazari.d@lu.ac.ir

*** استادیار تاریخ اسلام، دانشگاه لرستان، garavand.m@lu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۹



۱. مقدمه

در بسیاری از منابع تاریخی حدیثی شیعیان و اهل سنت، روایات متعددی وجود دارد که بر اساس آنها، امام علی(ع) در دوره‌ی خلافت شیخین و نیز در دوره‌ی خلافت خویش، فتوا و دستور به آتش زدن برخی افراد مجرم - گاه به صورت زنده‌زنده و گاه به صورت سوزاندن جنازه‌هایشان - داده است. در پژوهش حاضر، درصددیم به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی و با استفاده از روش نقد رجال حدیث، به این سوال اصلی پاسخ دهیم که: روایات مربوط به انسان‌سوزی در سیره‌ی امام علی(ع)، چه میزان اعتبار و یا ضعف سندی دارند؟ بدین منظور، تمامی روایاتی را که در این زمینه در منابع تاریخی حدیثی وجود دارند به شرط داشتن سلسله‌ی اسناد - نقل کرده و تمامی طُرُق آن را نقد سندی نموده‌ایم. روایات را بر مبنای «یکسانی متن روایت» دسته‌بندی کرده‌ایم. در برخی موارد، «زنده سوزاندن» با «سوزاندن جسد» خلط و یا جعل گردیده است. روایات مزبور را باید به صورت یک کُل در نظر گرفت و با بررسی‌های فقه‌الحدیثی میانشان جمع نمود تا روایات «جنازه سوزی» با روایات «زنده سوزی» خلط نشود، ولی از آنجایی که هدف ما در مقاله پیش‌رو صرفاً نقد سندی روایات بوده است، متعرض این کار نشدیم. بدین ترتیب، به بررسی و نقد متن روایات - جز اشاراتی کوتاه که ضروری می‌نمود - پرداخته‌ایم.

پیشینه‌ی پژوهش: در این زمینه، مقاله‌ای با عنوان «تحلیل احراق انسان توسط امام علی(ع)» در روایات» منتشر شده است. مقاله‌ی مزبور، پاره‌ای از این روایات را - آن هم فقط به لحاظ متنی و نه سندی - نقد کرده است (خان‌صنمی، شعبانعلی و دیگران، ۱۳۹۸، صص ۳۳-۵۷). مقاله‌ی دیگری با عنوان «حکم فقهی مجازات انسان زنده با سوزاندن در مذاهب اسلامی» منتشر گردیده است. مقاله‌ی مزبور تحلیلی فقهی است و نقد رجالی ندارد و روایات مورد بررسی آن نیز اختصاص به سیره‌ی امام علی(ع) ندارد (عابدی سراسیا، علیرضا؛ امینی، اعظم، ۱۳۹۶، صص ۱۵۱-۱۷۲) مقاله‌ای دیگر با عنوان «بررسی چند روایت تاریخی در باب غالیان عصر خلافت امام علی(ع)» چاپ گردیده که در آن فقط دو روایت را درباره‌ی مجازات غالیان توسط امام علی(ع) نقد کرده است (جعفریان، رسول، ۱۳۹۰، صص ۲۳-۳۰). کتابی نیز با عنوان «غالیان و شیوه‌های برخورد امامان معصوم(ع) با ایشان» منتشر شده که قسمت‌هایی از آن به نحوه‌ی برخورد امام علی(ع) با غالیان اختصاص یافته است (حاجی‌زاده، ۱۳۹۴). در کتاب مزبور تحلیل‌های متنی و نقدهای سندی بسیار ارزشمندی وجود دارد که در مقاله‌ی حاضر به تناسب بحث، به آن ارجاع داده‌ایم.

۲. مجازات غالیان

۱.۲ عبدالله بن سبا و یارانش

اگرچه برخی از محققین وجود شخصیتی به نام عبدالله بن سبا را افسانه می‌دانند (برای نمونه رک: طه‌حسین، ۱۹۷۰؛ صبحی، ۱۹۹۱؛ عسکری، ۲۰۰۰؛ خسروشاهی، ۱۳۸۶) اما این دیدگاه قدیمی و مردود شده است. لازم به ذکر است که پذیرش وجود فردی غالی به نام عبدالله بن سبا هیچ ربطی به افسانه‌ای -مبنی بر تأسیس مذهب تشیع توسط عبدالله بن سبا- که طبری آن را از سیف بن عمر نقل کرده، ندارد. (برای آگاهی بیشتر رک: حاجی زاده، ۱۳۹۴: صص ۱۲۰-۱۳۸). در زمینه‌ی مجازات ابن سبا فقط سه روایت وجود دارد:

روایت اول و دوم ظاهراً حکایت از زنده‌سوزی ابن سبا دارد. منبع اصلی که این دو روایت را نقل کرده، رجال کشی می‌باشد و در کتب اربعه‌ی شیعه نیامده است. *روایت اول* به لحاظ رجالی نامعتبر است. *روایت دوم* از نظر سلسله‌ی اسناد بلاشکال است. *روایت سوم* به لحاظ رجالی نامعتبر است و محتوایش، با محتوای روایات کشی کاملاً تناقض دارد. طبق این روایت، علی(ع) یاران ابن سبا را به وسیله‌ی دود خفه نمود و خود ابن سبا را -که مجازاتش می‌بایست سنگین‌تر باشد- تبعید کرد. فقط ابن ابی‌الحدید این را نقل کرده است و در منابع دیگر، هیچ اثری از این روایت نیافتیم.

۱.۱.۲ روایت اول

متن این روایت: عبدالله بن سبا ادعای نبوت می‌کرد و گمان می‌نمود که امام علی(ع)، همان الله است. خبر به علی(ع) رسید، پس ابن سبا را فراخواند و از وی پرسید: ابن سبا اقرار کرد که «به دلم افتاده تو الله هستی و من نبی هستم». امیرالمومنین فرمود «وای بر تو! شیطان تو را زیون کرده است. از این عقیده بازگرد، مادرت به عزایت بنشیند و نابود شوی». ابن سبا نپذیرفت. امام وی را زندانی کرد و سه روز او را به توبه فراخواند. چون توبه نکرد، امام وی را با آتش سوزانید.

سند این روایت: حدیثی محمد بن قولویه القمی، قال: حدثنی سعد بن عبدالله بن ابي خلف القمی، قال: حدثنی محمد بن عثمان العبدی، عن یونس بن عبدالرحمن، عن عبدالله بن سنان، قال: حدثنی ابي، عن ابي جعفر(ع). (کشی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۳۲۳، ح ۱۷۰؛ حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۲۸، ص ۳۳۶، ح ۳۴۸۹۴).

نقد این روایت: هیچ شرح حالی از «محمدبن عثمان‌العبدی» وجود ندارد و مهممل است. «سنان» هم مجهول است (خویی، ۱۴۱۳، ج ۹، ص ۳۲۳؛ مرتضی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۵۱۸؛ مامقانی، ۱۴۳۱، ج ۳۴، ص ۷؛ شوشتری، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۳۲۰).

۲.۱.۲ روایت دوم

متن این روایت: امام صادق(ع) در میان اصحابش درباره‌ی ابن‌سبأ حرف می‌زد و این‌که [ابن‌سبأ] ادعای ربوبیت علی(ع) را داشت. فرمود: علی(ع) سه روز وی را به توبه فراخواند ولی نپذیرفت. پس او را با آتش سوزانید.

سند این روایت: حدیثی محمدبن قولویه، قال: حدیثی سعدبن عبدالله، قال: حدثنا یعقوب‌بن یزید و محمدبن عیسی، عن ابن‌ابی عمیر، عن هشام‌بن سالم، قال: سمعت أبا عبدالله(ع) (کشی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۳۲۳، ح ۱۷۱؛ حرعاملی، ۱۴۱۴، ج ۲۸، ص ۳۳۶، ح ۳۴۸۹۵).

نقد این روایت: «محمدبن قولویه» را تقه دانسته‌اند (علامه‌حلی، ۱۳۸۱: ص ۳۹۷). «محمدبن عیسی‌بن عبیدالیقطنی» نیز تقه است (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۳۳؛ مجلسی، ۱۴۲۰، ص ۱۶۹). برخی عبارت «الأقوی عندی قبول روایت» را درباره‌ی وی به‌کار برده‌اند (علامه‌حلی، ۱۴۰۲، ص ۴۱؛ همو، ۱۳۸۱، ص ۳۹۵). نخستین کسی که وی را تضعیف کرده، شیخ‌طوسی است. او خودش در این زمینه اجتهاد نکرده، بلکه پیرو شیخ‌صدوق است. شیخ‌صدوق این راوی را از رجال کتاب «نوادر الحکمه» استثناء نموده بود. دلیل دیگر شیخ‌طوسی برای تضعیف محمدبن عیسی، این است که «قیل إنه کان یذهب مذهب الغلاة». از واژه «قیل» چنین برمی‌آید که شیخ به یقین نرسیده که وی غالی بوده است (طوسی، ۱۴۲۰، ص ۴۰۲؛ همو، ۱۳۷۶، ص ۴۴۸). بنابراین تضعیف شیخ‌طوسی مورد قبول نیست. روایت مذکور به لحاظ سلسله‌ی اسناد بلااشکال است. مُراد از آتش زدن عبدالله‌بن‌سبأ در این‌جا ممکن است سوزاندن جنازه‌ی وی باشد. این روایت را باید تحلیل متنی نمود، ولی چون در مقاله‌ی حاضر، قصدمان صرفاً نقد سندی روایات بوده، به این امر نمی‌پردازیم. لازم به ذکر است که گاه حدیثی با وجود بی‌اشکال بودن سلسله‌ی اسنادش، مورد تأیید علما واقع نمی‌شود و به آن «خبر مردود» می‌گویند (مدیر شانه‌چی، ۱۳۷۲: ص ۷۶).

۳.۱.۲ روایت سوم

متن این روایت: علی (ع) به گروهی برخورد که در ماه رمضان، در روز غذا می‌خوردند. به آنان فرمود «مسافرید یا بیمار؟» گفتند هیچ کدام. فرمود «آیا از اهل کتاب هستید؟» گفتند نه. فرمود «پس چرا در ماه رمضان روزه خواری می‌کنید؟» آنها بجز «أنت أنت» چیزی نمی‌گفتند. امام منظور آنان را فهمید. از اسبش پیاده شد و گونه‌اش را به خاک چسبانید. سپس فرمود «وای بر شما! من بنده‌ای از بندگان کوچک خدا هستم، از خدا پروا کنید و به اسلام بازگردید». آنها امتناع کردند. امام آنها را چندین مرتبه به اسلام دعوت کرد ولی نپذیرفتند. امام دستور داد آنان را محکم ببندید و برایم چند کارگر و مقداری هیزم بیاورید. سپس دستور داد دو چاه کنندند. یکی از چاه‌ها را مانند اتاقی زیرزمینی [= دارای گذرگاه] ساخت و چاه دیگر را دارای دریچه [که دود از آن خارج شود]. هیزم‌ها را در این چاه ریخت و آتششان زد. دود به سمت غالیان می‌رفت. امام آنان را صدا می‌زد و درخواست می‌کرد که «به سوی اسلام بازگردید». پس ابا کردند. امام هیزم و آتش را بر آنان افکند، پس سوختند. ابوالعباس گوید: سپس گروهی از یاران علی [ع] - از جمله عبدالله بن عباس - نزد وی فقط در حق عبدالله بن سبأ شفاعت کردند. گفتند: «ای امیرالمومنین، او توبه کرده است. وی را با این شرط که در کوفه نماند، آزادش کن». امام به پیشنهاد یارانش، او را به مدائن تبعید نمود.

سند این روایت: روی ابوالعباس عن محمد بن سلیمان بن حبیب المصیصی عن علی بن

محمد النوفلی عن ابيه و مشيخته (ابن ابی الحدید، ۱۴۲۸، ج ۵، ص ۶).

نقد این روایت: در کتب متقدم رجال شیعه مانند فهرست نجاشی و فهرست شیخ طوسی هیچ نشانی از «علی بن محمد النوفلی» نیست. علمای متأخر تصریح به مجهول بودن او کرده‌اند (مامقانی، بیتا، ج ۲، ص ۳۰۴؛ مرتضی، ۱۴۲۶، ج ۲، ص ۷۹). پدر وی یعنی «محمد بن سلیمان النوفلی» از اصحاب امام کاظم (ع) بود (مامقانی، بیتا، ج ۳، ص ۱۲۳؛ خوبی، ۱۴۱۳، ج ۱۷، ص ۱۴۴؛ نمازی، ۱۴۲۲، ص ۲۹۴؛ همو، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۱۲۰). هویت مشایخ او بر ما معلوم نیست.

۲.۲ سوزاندن گروهی از غالیان

در این زمینه چهار روایت وجود دارد: *روایت اول و دوم* حاکی از "جنازه‌سوزی" و نامعتبر هستند. *روایت سوم* حاکی از "زنده‌سوزی" و هر دو طریق نقلش نامعتبر است. طبق *روایت چهارم* (که هر دو طریق نقلش معتبر است) مجازات غالیان "خفگی با دود" بود.

۱.۲.۲ روایت اول

متن این روایت: نزد علی (ع) نشسته بودم که گروهی آمدند و گفتند «أنت أنت». علی (ع) چند بار آنها را توبه داد ولی نپذیرفتند. بنابراین «فَضْرَبَ أَعْنَاقَهُمْ وَ دَعَا بِحَطْبٍ وَ نَارٍ فَأَحْرَقَهُمْ» و این شعر را می‌خواند: «إِنِّي إِذَا رَأَيْتُ أَمْرًا مُنْكَرًا - أَوْ قَدْتُ نَارِي وَ دَعَوْتُ قَنْبِرًا».

سند این روایت: أخبرنا أبو عبد الله الحافظ، قال: أنبأنا أبو نصر محمد بن أحمد الخفاف، قال: حدثنا علي بن محمد بن العلاء، قال: حدثنا علي بن الحسين، قال: حدثنا علي بن إبراهيم المروزي، قال: حدثنا خارجة بن مصعب، قال: حدثني سلام بن أبي قاسم، قال: حدثني عثمان بن المغيرة. (جوينی، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۱۷۴، رقم ۱۳۶).

نقد این روایت: شیخ طوسی به ذکر نام «خارجة بن مصعب الخراسانی التمیمی المروزی» بسنده کرده است (طوسی، ۱۳۷۶، ص ۲۰۰). دیگران هم توثیق نکرده‌اند و فقط وی را از اصحاب امام صادق (ع) دانسته‌اند (نوری، ۱۴۲۹، ج ۲۵، ص ۳۲۶؛ خویی، ۱۴۱۳، ج ۸، ص ۹؛ نمازی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۳۰۲). همچنین «سلام بن أبي قاسم» نه در منابع شیعی و نه در منابع سنی، هیچ شرح حالی ندارد و مهمل است.

۲.۲.۲ روایت دوم

متن این روایت: گروهی از غالیان نزد علی (ع) رفتند و گفتند «تو اویی؟» فرمود «من کی هستم؟» گفتند «تو اویی؟» فرمود «وای بر شما! من کی هستم؟» گفتند «تو خدای مایی». علی (ع) فرمود «وای بر شما! [به دین اسلام] بازگردید و توبه کنید». آنها نپذیرفتند. لذا علی (ع) گردنشان را زد و به قنبر دستور داد تا هیزم بیاورد و گودالی بکند. جنازه‌های آنان را با آتش سوزانید و این شعر را خواند: «لَمَّا رَأَيْتُ الْأَمْرَ مُنْكَرًا - أَجَجْتُ نَارِي وَ دَعَوْتُ قَنْبِرًا».

نقد سندی روایات انسان‌سوزی در سیره امام علی (ع) (محمد امرایی و دیگران) ۹

سند این روایت: ذکر العقیلی قال: حدثنا محمد بن اسماعیل، قال حدثنا شبابة، و ذكره أبو زيد عمر بن شبة قال: حدثني محمد بن حاتم، قال: حدثنا شبابة بن سوار، قال: حدثنا خارجة بن مصعب، عن سلام بن أبي القاسم، عن عثمان بن أبي عثمان الأنصاري. (ابن عبد البر، ۱۹۷۶، ج ۵، ص ۳۱۷).
نقد این روایت: در روایت پیشین آوردیم که «خارجة بن مصعب» توثیق ندارد. علاوه بر این، «عثمان بن أبي عثمان» منکر الحدیث و مجهول است (ابن حجر، ۱۴۲۳، ج ۵، ص ۴۰۱، رقم ۵۱۴۱).

۳.۲.۲ روایت سوم

متن این روایت: امام علی (ع) نزد یکی از زنانش به نام «أم عمرو» از قبیله «عَنْزَةَ» بود که قبر آمد و گفت: ده نفر جلوی در هستند که گمان می‌کنند تو پروردگارشان هستی. امام دستور داد آنها را به داخل بیاور. امام به آنها فرمود: چه می‌گویید؟ گفتند «تو خدای مایی؛ تویی که ما را آفریدی؛ تویی که روزی ما را می‌دهی». امام فرمود «وای بر شما! من مخلوقی مانند شمایم». آنها از پذیرش سخن امام سر باز زدند. امام فرمود «وای بر شما! الله خدای من و شماست. توبه کنید و [به دین اسلام] بازگردید». آنها گفتند «ما از سخنانمان باز نمی‌گردیم. تو رازق و خالق مایی». به دستور امام، قبر رفت و ده کارگر را به همراه بیل و سطل آورد. به آنها دستور داد تا گودالی کنند و در آن هیزم نهاد و بر هیزم‌ها آتش افکند. بار دیگر به آنها فرمود «وای بر شما! توبه کنید و بازگردید». آنها این بار نیز نپذیرفتند. بنابراین علی (ع) آنها را در گودال پرتاب کرد. سپس این شعر را خواند: «إني إذا أبصرتُ شيئاً منكراً - أوقدتُ ناري و دعوتُ قنبراً».
این روایت از دو طریق نقل شده است:

طریق ۱: محمد بن الحسن البراثی، و عثمان بن حامد، قالوا: حدثنا محمد بن یزید، عن محمد بن الحسين عن موسى بن يسار، عن عبد الله بن شريك، عن أبيه (كشي، ۱۴۰۴، ج ۲ ص ۵۹۶، ح ۵۵۶) و در جای دیگر: محمد بن الحسن و عثمان بن حامد الكشيان، قالوا: حدثنا محمد بن یزید الرازی، عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب، عن موسى بن يسار، عن عبد الله بن شريك، عن أبيه. (كشي، ۱۴۰۴، ج ۱ ص ۲۸۸، ح ۱۲۸).

نقد این طریق: «موسی بن یسار القطان» مجهول است (خویی، ۱۴۱۳، ج ۲۰، ص ۸۶؛ مرتضی، ۱۴۲۶، ج ۲، ص ۴۹۷). «شریک بن عدی العامری» مجهول است (مرتضی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۵۳۰).

علامه مجلسی شخصی به نام «شریک» را مجهول دانسته ولی توضیح نداده که این شخص کیست (مجلسی، ۱۴۲۰، ص ۹۲).

طریق ۲: محمدبن مسعود، قال: أخبرنا محمدبن یزاد الرازی، قال: حدثنا محمدبن علی الحداد، عن مسعدة بن صدقة، عن جعفر بن محمد، عن أبيه. (کشی، ۱۴۰۴، ج ۱ ص ۲۸۸، ح ۱۲۷).
نقد این طریق: در هیچ یک از کتب متقدم رجال، نامی از «محمدبن علی الحداد» نیست. یکی از معاصرین ما او را یاد کرده و مجهول دانسته است (مرتضی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۴۴۹). «مسعدة بن صدقه» ضعیف است (مجلسی، ۱۴۲۰، ص ۱۷۸). مذهب او را بُتّری (کشی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۶۸۷) و یا سنی (طوسی، ۱۳۷۶، ص ۱۴۶) دانسته‌اند.

۴.۲.۲ روایت چهارم

متن این روایت: گروهی نزد امام علی (ع) آمدند و گفتند «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا رَبَّنَا». علی (ع) آنها را دعوت به توبه نمود ولی نپذیرفتند. علی (ع) گودالی کند و در آن آتش افروخت و در نزدیک آن، گودالی دیگر کند. میان این دو گودال، راهی [برای سرایت دود] ساخت که آنها را به هم مرتبط می‌کرد. علی (ع) هرکدامشان را که توبه نمی‌کردند، درون گودال خالی پرتاب می‌کرد تا این که [در اثر دود] مُردند.

این روایت، از دو طریق نقل شده است:

طریق ۱: علی بن ابراهیم عن ابيه عن ابن أبي عمير عن هشام بن سالم عن أبي عبد الله (ع) (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۲۵۸ ح ۱۸؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۳۸، رقم ۵۴۷).

نقد این طریق: تمام راویان این طریق، توثیق شده‌اند. گرچه «ابراهیم بن هاشم» صراحتاً توثیق نشده ولی ارجح قبول قول اوست (علامه حلی، ۱۳۸۱، ص ۴). علامه مجلسی این حدیث را حسن دانسته است (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۳، ص ۴۰۱).

طریق ۲: محمدبن یحیی عن أحمد بن محمد عن ابن أبي عمير عن هشام بن سالم عن أبي عبد الله (ع) (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۲۵۷، ح ۸).

نقد این طریق: با اینکه تمام راویان این طریق، توثیق شده‌اند، علامه مجلسی آن را بدون هیچ توضیحی درباره‌ی سند یا متن آن، ضعیف دانسته است (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۳، ص ۳۹۹). خود علامه مجلسی نیز تک‌تک این راویان را توثیق کرده است. توثیق «محمدبن یحیی العطار» در:

نقد سندی روایات انسان‌سوزی در سیره امام علی (ع) (محمد امرایی و دیگران) ۱۱

(مجلسی، ۱۴۲۰، ص ۱۷۵) توثیق «أحمد بن محمد بن عیسی الأشعری» در: (همو، ص ۲۴) توثیق «محمد بن ابی عمیر الأزدی» در: (همو، ص ۱۴۸) توثیق «هشام بن سالم الجوالیقی» در: (همو، ص ۱۹۴).

هرگاه نام «محمد بن یحیی» در اول سندهای شیخ کلینی بیاید، منظور «محمد بن یحیی العطار» است (شهید ثانی، ۱۹۶۰، ص ۱۲۹). علامه مجلسی احتمالاً او را با «محمد بن یحیی المعازی» که در الوجیزه وی را تضعیف کرده (مجلسی، ۱۴۲۰، ص ۱۷۵) اشتباه گرفته است. ممکن است که علامه مجلسی متن روایت را قبول نداشته و تضعیف وی از این جهت بوده باشد. بنابراین سند این روایت معتبر است.

۳.۲ مجازات زط‌های غالی

واژه‌ی زطّ معرّب «جَت» و نام قومی سیاه‌پوست از هندیان (ابن منظور، ۱۳۰۰: ج ۷، ص ۳۰۸) بوده است. درباره‌ی اسلام آوردن زط‌ها در زمان خلیفه‌ی دوم و سکونت گزیدنشان در بصره، بنگرید به: (بلاذری، ۱۹۸۸، ص ۳۶۲). فقط یک روایت وجود دارد که امام علی (ع) زط‌هایی را که گرفتار غلو شده بودند، مجازات کرده است. بر اساس این روایت، مرگ آنان "خفگی به وسیله‌ی دود" بود. این روایت از سه طریق نقل شده است: طریق اول معتبر ولی طریق دوم و سوم نامعتبر می‌باشد.

متن این روایت: علی (ع) زمانی که از اهل بصره فارغ شد، هفتاد مرد از زط به نزدش آمدند و بر او سلام کردند و با زبان خویش با امام سخن گفتند. علی (ع) فرمود «من آنگونه که گفتید نیستم؛ بنده‌ی خدا و مخلوق هستم». آنها این سخن را نپذیرفتند و گفتند «نه! بلکه تو، او هستی!» علی (ع) به آنها فرمود «اگر از آنچه گفتید، بازنگردید و به سوی خدا توبه نکنید، شما را خواهم کشت». آنها از توبه و بازگشت ابا کردند. امام دستور داد برایشان "زیرزمینی حفر کردند و میانشان دریچه قرار داد. سپس زط‌ها را در یکی از زیرزمین‌ها انداخت و سرشان را پوشانید. در گودال کناری، آتش افروخت. هیچ‌یک از زط‌ها در گودال آتش نبودند، بلکه دود به آنجا وارد شد و مردند.

طریق ۱: عن أبی - رضی الله عنه - عن سعد بن عبدالله، عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن محمد بن إسماعیل بن بزیرع و عن محمد بن یحیی الخزاز، عن غیاث بن ابراهیم عن جعفر بن محمد عن أبیه (ع) (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۱۵۰، ح ۳۵۵۰).

نقد این طریق: اسناد این روایت معتبر است و تمام روایانش توثیق شده‌اند. توثیق «سعدبن عبدالله القمی» در: (طوسی، ۱۴۲۰: ص ۲۱۵)، توثیق «أحمدبن محمدبن عیسی الأشعری» در: (خویی، ۱۴۱۳: ج ۳، ص ۸۵)، توثیق «محمدبن اسماعیل بن بزيع» در (نجاشی، ۱۳۶۵: ص ۳۳۰)، توثیق «محمدبن یحیی الخزاز» در (برقی، ۱۳۴۲: ص ۳۳۷)، توثیق «غیاث‌بن ابراهیم التیمی» در (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۰۵؛ مجلسی، ۱۴۲۰، ص ۱۳۸).

طریق ۲: محمدبن یحیی عن أحمدبن محمدبن عیسی عن ابن محبوب عن صالح بن سهل عن کردین عن رجل عن أبي عبدالله و أبي جعفر (ع) (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۲۵۹، ح ۲۳).

نقد این طریق: علامه مجلسی این روایت را ضعیف دانسته است (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۳، ص ۴۰۳). «صالح بن سهل الهمدانی» غالی، کذاب، وضاع الحدیث است (ابن غضائری، ۱۴۲۲، ص ۶۹؛ حرعاملی، ۱۴۲۷، ص ۱۴۱؛ مجلسی، ۱۴۲۰، ص ۹۳؛ ساعدی، ۱۴۲۶، ج ۳، ص ۵۴۳). برخی معتقدند وی از غلو دست برداشته است (مامقانی، ۱۴۳۱، ج ۳۵، ص ۲۵۲؛ مرتضی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۵۳۸). هویت «رجل» نیز نامشخص و مجهول است.

طریق ۳: حدثني الحسين بن الحسن بن بندار القمي، قال: حدثني سعد بن عبدالله بن أبي خلف القمي، قال: حدثنا أحمد بن محمد بن عیسی، و عبدالله بن محمد بن عیسی، و محمد بن الحسين بن أبي الخطاب، عن الحسن بن محبوب، عن صالح بن سهل، عن مسمع بن عبد الملك أبي سيار، عن رجل، عن أبي جعفر (ع) (کشی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۳۲۵، ح ۱۷۵).

نقد این طریق: «الحسين بن الحسن بن بندار القمي» مجهول است (ساعدی، ۱۴۲۶، ج ۳، ص ۲۴۲). برخی صرفاً اشاره کرده‌اند که: کشی از وی زیاد روایت کرده و ظاهراً به او اعتماد داشته است (مامقانی، ۱۴۳۱، ج ۲۱، ص ۴۱۲؛ نمازی، ۱۴۲۲، ص ۷۷). تضعیف «صالح بن سهل» را پیشتر ذکر کردیم.

۳. مجازات مرتدان یا زنداقه

درباره‌ی مجازات مرتدان توسط علی (ع) شش روایت وجود دارد: روایت اول و دوم حاکی از "جنازه‌سوزی" و هردو نامعتبر هستند. روایت سوم "خفگی به وسیله‌ی دود" و نامعتبر است. براساس روایت چهارم و پنجم واضح نیست که زنده‌سوزی یا جنازه‌سوزی صورت گرفته

نقد سندی روایات انسان‌سوزی در سیره امام علی (ع) (محمد امرایی و دیگران) ۱۳

است و به هر حال هر دو نامعتبر هستند. روایت ششم تصریح در "زنده‌سوزی" دارد و نامعتبر است.

۱.۳ روایت اول

متن این روایت: به علی (ع) خبر رسید که قومی در بصره از اسلام مرتد شده‌اند. به دنبالشان فرستاد تا نزدش بیایند. دو هفته به آنها طعام داد. سپس آنها را به اسلام دعوت کرد. نپذیرفتند. پس گودالی برایشان کند و بالای گودال ایستاد و فرمود «تو را از چربی و گوشت پُر می‌کنم». سپس گردنشان را زد و در گودال انداخت؛ هیزم بر آنها افکند و آتششان زد.

سند این روایت: حدثنا محمد بن عبدالله بن بکر، حدثنا الحسن بن حماد - سجادة - حدثنا الحسن بن زیاد، عن إسرائيل، عن سماك بن حرب، عن سويد بن غفلة. (طبرانی، ۱۹۹۵، ج ۷، ص ۱۴۰، رقم ۷۱۰۱).

نقد این روایت: «الحسن بن زیاد اللؤلؤی» کذاب، ضعیف و متروک است (ابن حجر، ۱۴۲۳، ج ۳، ص ۴۸، رقم ۲۲۷۸؛ دارقطنی، ۱۴۰۴، ص ۱۹۲، رقم ۱۷۸؛ نسائی، ۱۴۰۵، ص ۸۹، رقم ۱۵۸؛ عقیلی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۵۸۱، رقم ۲۷۸؛ ابی حاتم، ۱۹۵۳، ج ۳، ص ۱۵، رقم ۴۹). همچنین «إسرائيل بن یونس بن ابی اسحاق السبّعی» ضعیف است (مدینی، ۱۹۸۰، ص ۸۶).

۲.۳ روایت دوم

متن این روایت: گروهی در کوفه مرتد شدند که علی (ع) آنها را کشت و سپس جنازه‌شان را آتش زد و این شعر را خواند: «لَمَّا رَأَيْتُ الْأَمْرَ أَمْرًا مُنْكَرًا - جَرَدْتُ سَيْفِي وَ دَعَوْتُ قَنْبِرًا - ثُمَّ احْتَفَرْتُ حَفْرًا وَ حَفْرًا - وَ قَنْبِرٌ يَحْطُمُ حَطْمًا مُنْكَرًا - أَحْرَقْتُ بِالنَّيْرَانِ مَنْ قَدْ كَفَرَ» (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۳۹۳).

سند این روایت: حدثني بعض أصحابنا عن المدائني^۱، عن يونس بن أرقم، عن ابن سيرين قال.

نقد این روایت: هیچ یک از منابع رجالی شیعه نام «یونس بن أرقم الکندی» را ذکر نکرده‌اند (نمازی، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۲۹۶). برخی از علمای رجال سنی وی را لئین‌الحديث دانسته‌اند (ابن حجر، ۱۴۲۳، ج ۸، ص ۵۷۱، رقم ۸۷۱۵). ذهبی درباره‌ی وی «لا أعرفه» را به کار برده است (ذهبی، ۱۹۶۷، ص ۴۴۹، رقم ۴۸۲۵) و در جای دیگر می‌نویسد او را نه در زمره‌ی ثقات می‌بینم

و نه در ضعفا (ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۱۱، ص ۴۰۸، رقم ۳۲۹). «محمد بن سیرین الأنصاری» دو سال مانده به خلافت عثمان (یعنی سال ۳۳ هجری) به دنیا آمد. بنابراین در هنگام این رخداد، کودکی ۵-۶ ساله بوده است (مزی، ۱۹۸۲، ج ۲۵، ص ۳۴۴-۳۵۴، رقم ۵۲۸۰).

۳.۳ روایت سوم

متن این روایت: علی (ع) در مسجد کوفه نشسته بود که گروهی را نزدش آوردند که در روز ماه رمضان غذا می‌خوردند. امام به آنها فرمود «روزه خواری می‌کنید؟» گفتند بله. فرمود «آیا یهودی هستید؟» گفتند نه. فرمود «پس مسیحی هستید؟» گفتند نه. فرمود «پس بر کدام دین غیر از اسلام هستید؟» گفتند ما مسلمانیم. فرمود «پس مسافرید؟». گفتند نه. فرمود «آیا بیماری دارید که موجب افطارتان شده و ما خبر نداریم؟ چون شما به حال خودتان بیناترید، زیرا خداوند می‌فرماید: *بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ*» گفتند ما صبح که بیدار شدیم، بیماری نداشتیم! علی (ع) لبخندی زد و فرمود «آیا گواهی می‌دهید *أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ* و *أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ*؟» گفتند گواهی می‌دهیم که خدایی جز الله نیست ولی محمد را نمی‌شناسیم. علی (ع) فرمود «او رسول الله بود». گفتند «او را به پیامبری نمی‌شناسیم؛ او یک عرب بادیه نشین بود که مردم را به سوی خودش دعوت می‌کرد». علی (ع) فرمود «اگر [به نبوت محمد] اقرار نکنید، شما را خواهم کشت». گفتند کارت را بکن. امام آنها را به شرطه الخميس سپرد تا آنها را به بیرون از شهر کوفه بردند و دستور داد دو حفزه نزدیک هم کنند. سپس میان آن گودال‌ها دریچه‌ای بزرگ مانند پنجره ساخت. سپس به آنها فرمود «شما را درون یکی از این گودال‌ها می‌اندازم و در گودال دیگر آتش می‌افکنم و شما را با دود می‌کشم». گفتند «کارت را بکن! زندگی این دنیا می‌گذرد». پس آنها را با نرمخویی در یک گودال قرار داد و در گودال دیگر آتش افروخت. سپس بارها صدایشان می‌زد که «درباره‌ی توبه [چه می‌گویید؟] پاسخ می‌دادند که هر کاری می‌خواهی بکن. تا این که [با دود خفه شدند و] مردند.

سند این روایت: علی بن محمد عن عبدالله بن إسحاق عن الحسن بن علی بن سلیمان عن محمد بن عمران عن أبي عبد الله (ع) (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۸۱، ح ۷؛ مجلسی، ۱۴۳۰، ج ۴۰، ص ۲۸۷).

نقد این روایت: علامه مجلسی این روایت را مجهول دانسته است (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۶، ص ۴۴۰). هیچ جرح و یا تعدیلی درباره‌ی «عبدالله بن إسحاق العلوی» نشده (نوری، ۱۴۲۹،

نقد سندی روایات انسان‌سوزی در سیره امام علی (ع) (محمد امرایی و دیگران) ۱۵

ج ۲۶، ص ۱۴۴؛ شوشتری، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۲۵۱؛ خوبی، ۱۴۱۳، ج ۱۱، ص ۱۱۷) و مجهول است (مرتضی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۶۰۲). «حسن بن علی بن سلیمان» نیز مجهول است (خوبی، ۱۴۱۳، ج ۶، ص ۴۲؛ مرتضی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۳۰۹؛ نمازی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۴۵۵).

۴.۳ روایت چهارم

متن این روایت: علی (ع) زناذقه را در بازار آتش زد. هنگامی که آتش بر آنان افکند، گفتند: صدق الله و رسوله (ص).

سند این روایت: حدثنا أبو بکر، قال: حدثنا أبو بکر بن عیاش، عن أبي حصین، عن سويد بن غفلة (ابن ابی شیبیه، ۱۴۲۹، ج ۹، ص ۴۰۰، ح ۲۹۵۹۳).

نقد این روایت: گرچه «أبو بکر بن عیاش بن سالم بن الحنّاط» را صدوق دانسته‌اند، اما درباره‌ی روایاتش گفته‌اند: «أنه كثير الغلط» و «أخطأ في الحديث» (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۳۶۰؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲، ج ۹، ص ۲۳۲). رجالیون سنی «أبی حصین الأسدی، عثمان بن عاصم» را تقه دانسته‌اند ولی او «عثمانی مذهب» بود و حدیث «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاةً فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاةٌ» را خوش نمی‌داشت (عجلی، ۱۹۸۴، ص ۳۲۸، رقم ۱۱۰۷؛ ذهبی، ۱۹۹۶، ج ۵، ص ۴۱۴؛ مزی، ۱۹۸۲، ج ۱۹، ص ۴۰۴) و از این روی، روایات او درباره‌ی علی (ع) نامعتبر است.

۵.۳ روایت پنجم

متن این روایت: عده‌ای از مردم عطاء و رزق [از بیت‌المال] می‌گرفتند و همراه سایر مسلمانان نماز می‌خواندند ولی در پنهانی، بت‌ها را پرستش می‌کردند. علی (ع) آنها را در مسجد یا زندان قرار داد. سپس فرمود «ای مردم! نظرتان چیست درباره‌ی گروهی که عطاء و رزق می‌گیرند در حالی که بت‌ها را پرستش می‌کنند؟» مردم گفتند: آنها را بکش. علی (ع) فرمود: «با آنها کاری را می‌کنم که با پدرمان ابراهیم (ص) کردند»، سپس آنها را با آتش سوزانید.

سند این روایت: حدثنا أبو بکر قال: حدثنا عبد الرحيم بن سليمان، عن عبد الرحمن بن عبيد، عن أبيه. (ابن ابی شیبیه، ۱۴۲۹، ج ۹، ص ۴۰۱، ح ۲۹۵۹۴).

نقد این روایت: «عبید بن نسطاس بن ابی صفیة العامری» از طبقه سوم تابعین بود و محضر امام علی (ع) را درک نکرده و نمی‌توانسته است شاهد این رخداد باشد. افزون بر این، وی از کسانی

همچون «مغیره بن شعبه» و «قاضی شریح بن حارث» حدیث فرامی‌گرفت. (ابن حجر، ۱۳۵۶، ص ۶۵۲، رقم ۴۴۲۷؛ مزی، ۱۹۸۲، ج ۱۹، ص ۲۳۸، رقم ۳۷۳۹؛ ذهبی، ۲۰۰۴، ج ۶، ص ۲۶۰، رقم ۴۴۲۸؛ ابن حبان، ۱۹۷۳، ج ۵، ص ۱۳۸؛ ابی حاتم، ۱۹۵۳، ج ۶، ص ۳). بنابراین روایتش منقطع و نامعتبر است.

۶.۳ روایت ششم

متن این روایت: علی (ع) به گروهی از زنداقه (در برخی طُرُق: مرتدان) برخورد کرد. پس آنان را آتش زد. خبر به عبدالله بن عباس رسید. ابن عباس گفت: «اگر من بودم، آنان را آتش نمی‌زدم، زیرا پیامبر فرمود: "لَا تُعَذِّبُوا بَعْدَ اللَّهِ" بلکه آنان را می‌کشتم، زیرا پیامبر فرمود: "مَنْ بَدَّلَ دِينَهُ فَاقْتُلُوهُ"».

روایت مذکور در کتب شیعه وجود ندارد ولی در منابع متعدد سنی از طُرُق مختلف نقل شده است. ما تمامی این طرق را بررسی کردیم و مشخص شد که بدون استثناء، همگی آن طرق به «أیوب عن عکرمه» ختم می‌شود. لذا در اینجا برای جلوگیری از اطناب کلام، از ذکر سلسله اسنادها خودداری و فقط منابعی که این روایت را با سند ذکر کرده‌اند، معرفی می‌کنیم:

(أبی داؤد الطیالسی، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۴۰۸، ح ۲۸۱۲؛ الشافعی، بی‌تا، ص ۳۲۰؛ الصنعانی، ۱۹۷۲، ج ۵، ص ۲۱۳، ح ۹۴۱۳؛ الحمیدی، ۱۹۹۶، ج ۱، ص ۴۶۱، ح ۵۴۳؛ ابن ابی شیبہ، ۱۴۲۹، ج ۹، ص ۴۰۱، ح ۲۹۵۹۷؛ أحمد بن حنبل، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۳۳۶، ح ۲۵۵۱؛ همان، ص ۳۳۶، ح ۲۵۵۲؛ همان، ج ۳، ص ۳۶۴، ح ۱۸۷۱؛ البخاری، ۱۴۲۳، ص ۷۴۳، ح ۳۰۱۷؛ همان، ص ۱۷۱۲، ح ۶۹۲۲؛ أبی داؤد السجستانی، ۱۴۲۰، ص ۴۷۶، ح ۴۳۵۱؛ الترمذی، ۱۴۱۷، ص ۳۴۵، ح ۱۴۵۸؛ النسائی، ۱۴۳۳، ج ۴، ص ۵۳۷، ح ۳۷۱۲؛ الطحاوی، ۱۹۹۴، ج ۷، ص ۳۰۳، ح ۲۸۶۴؛ الطحاوی، ۱۴۲۶، ج ۴، ص ۱۸۰، ح ۳۵۳۸؛ همان، ص ۱۸۱، ح ۳۵۴۱؛ همان، ص ۳۰۵، ح ۲۸۶۷؛ دارقطنی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۳۴، ح ۳۱۴۳؛ البیهقی، ۱۴۲۴، ج ۸، ح ۱۶۸۲۰؛ البیهقی، ۱۹۹۱، ج ۱۲، ص ۲۳۸، ح ۱۶۵۴۷؛ ابن عبدالبر، ۱۹۷۶، ج ۵، ص ۳۰۴؛ همان، ص ۳۰۵؛ همان، ص ۳۱۶؛ ابن العربی، بی‌تا، ج ۶، ص ۲۴۲؛ الذهبی، ۱۴۲۲، ج ۷، ص ۳۳۲۶، ح ۱۳۰۹۵).

نقد این روایت: این حدیث را فقط «أیوب بن أبی تمیمه» از «عکرمه البربری، أبو عبدالله المدنی» شنیده است. عکرمه مولای عبدالله بن عباس بود. (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۲۱۹؛ ذهبی، ۱۹۵۸، ج ۱، ص ۹۵، رقم ۸۷). هیچ‌کس جز عکرمه روایت «سوزانیدن انسان توسط علی ع» را از

ابن عباس نقل نکرده است. علمای رجال شیعه وی را به شدت تضعیف کرده‌اند (کشی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۴۷۷؛ علامه حلی، ۱۳۸۱، ص ۳۲۸؛ مجلسی، ۱۴۲۰، ص ۱۱۷). عکرمة از قول ابن عباس حدیث جعل می‌کرد. این امری مشهور بود، به طوری که سعید بن المسیب به غلامش بُرد می‌گفت: «بر من دروغ میند، آن‌گونه که عکرمة بر ابن عباس دروغ می‌بست» (ذهبی، ۱۹۶۳، ج ۳، ص ۹۶؛ همو، ۱۹۹۶، ج ۵، ص ۲۲؛ ابن حجر، بی‌تا، ج ۷، ص ۲۶۸؛ مزی، ۱۹۸۲، ج ۲۰، ص ۲۸۰). از عبدالله بن الحارث نقل شده که گوید: بر «علی بن عبدالله بن عباس» وارد شدم در حالی که عکرمة را جلوی مستراح به بند کشیده بود. به او گفتم از خدا نمی‌ترسی؟ گفت: «این خبیث بر پدرم دروغ می‌بندد» (ذهبی، ۱۹۶۳، ج ۳، ص ۹۴). برخی‌ها عکرمة را کذابی می‌دانستند که صبح حدیثی را روایت می‌کرد و در شب مخالفش را نقل می‌کرد (مزی، ۱۹۸۲، ج ۲۰، ص ۲۸۶). امام مالک، عکرمة را ثقه نمی‌دانست و امر می‌کرد که از عکرمة روایت اخذ نکنند (ذهبی، ۱۹۹۶، ج ۵، ص ۲۶). مسلم از او در نقل حدیث، اعراض کرده است (ذهبی، ۱۹۶۳، ج ۳، ص ۹۳). برخی عکرمة را «قلیل العقل» می‌دانستند (ذهبی، ۱۹۹۶، ج ۵، ص ۲۷؛ ابن حجر، بی‌تا، ج ۷، ص ۲۶۷). عکرمة بر عقیده‌ی خوارج بود و دیگران را تکفیر می‌کرد. نقل شده که روزی عکرمة بر در مسجد ایستاد و گفت «ما فیہ إلیا کافر» (ذهبی، ۱۹۶۳، ج ۳، ص ۹۵؛ همو، ۱۹۹۶، ج ۵، ص ۲۱؛ مزی، ۱۹۸۲، ج ۲۰، ص ۲۷۸). خالد بن ابی عمران گوید: عکرمة در موسم حج، نزد ما به افریقیه وارد شد و گفت «دوست داشتم امسال در موسم حج [بودم] و حرب‌ه‌ای در دستم [داشتم] تا با آن راست و چپ [=همه‌ی مردم] را بزنم» (مزی، ۱۹۸۲، ج ۲۰، ص ۲۷۸؛ ذهبی، ۱۹۶۳، ج ۳، ص ۹۵). خارجی بودن عکرمة می‌توانست انگیزه‌ای قوی برای او باشد تا به امام علی (ع) تهمت بزند. عکرمة نسبت به اهل بیت پیامبر (ص) آشکارا عناد می‌ورزید. وی در بازار بانگ می‌زد که آیه‌ی «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» فقط در شأن زنان پیغمبر (ص) نازل گشته است (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۲، ص ۷) و در این باره با هر کس که بخواهد، مباحله می‌کنم (ابن کثیر، ج ۶، ص ۴۱۱).

۴. مجازات بت پرستان

درباره‌ی مجازات بت پرستان توسط علی (ع) دو روایت وجود دارد و هر دو "ظاهراً حاکی از زنده‌سوزی" است. روایت اول از ۴ طریق و روایت دوم از ۲ طریق نقل شده و همگی نامعتبر هستند.

۱.۴ روایت اول

متن این روایت: علی (ع) به گروهی از رُطها رسید که "بت" می‌پرستند. پس آنان را با آتش سوزانید. ابن عباس گفت: پیامبر فرمود «مَنْ بَدَّلَ دِينَهُ فَأَقْتُلُوهُ».

طریق ۱: هشام، عن قتادة، عن أنس (ذهبی، ۱۴۲۲، ج ۷، ص ۳۳۲۷).

طریق ۲: حدثنا إسحاق، حدثنا عبد الصمد بن عبد الوارث، حدثنا هشام، عن قتادة، عن أنس (أبی یعلی، ۲۰۰۵، ص ۵۲۳، ح ۲۵۳۶).

طریق ۳: أخبرنا محمد بن المثني، قال حدثني عبد الصمد، قال حدثنا هشام، عن قتادة، عن أنس (النسائي، ۱۴۳۳، ج ۴ ص ۵۳۸، ح ۳۷۱۷).

طریق ۴: حدثنا عبدالله بن احمد بن حنبل، حدثني محمد بن ابي بكر المقدمي، حدثنا عبد الصمد بن عبد الوارث، حدثنا هشام الدستوائي، عن قتادة، عن أنس (الطبراني، ۱۴۰۴، ج ۱۰، ص ۳۳۰، ح ۱۰۶۳۸).

نقد این روایت: تمامی طرق این حدیث به «قتادة عن أنس» ختم می‌شود. «أنس بن مالک بن النضر» به دلیل انکار «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيَ مَوْلَاهُ» مورد نفرین امام علی (ع) قرار گرفت و به مرض پیسی مبتلا شد (مفید، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۳۵۱). این حدیث مرفوع است (ذهبی، ۱۴۲۲، ج ۷، ص ۳۳۲۷) یعنی آنس خودش شاهد این رخداد نبوده و آن را از کس دیگری (احتمالاً از عکرمه) شنیده است. «قتادة بن دعامة السدوسي» نیز جزو تابعین بود که از «عکرمه» حدیث نقل می‌کرد (ابن حجر، بی تا، ج ۸، ص ۳۵۱، رقم ۶۳۵).

۲.۴ روایت دوم

متن این روایت: مردی نزد علی (ع) آمد و شهادت داد که دو مرد در کوفه برای بت نماز می‌خوانند. امام فرمود «وای بر تو! شاید امر بر تو مشتبه شده باشد». سپس مردی را برای راستی آزمایی فرستاد و او دید که آنها برای بت نماز می‌خوانند. علی (ع) گودالی کند و آتش در آن افروخت و آن دو مرد را درون گودال افکند.

طریق ۱: عنه [=الحسين بن سعيد] عن النضر [بن سويد] عن موسى بن بكر عن الفضيل بن يسار عن أبي عبدالله (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۱۴۰، ح ۵۵۲).

نقد سندی روایات انسان‌سوزی در سیره امام علی (ع) (محمد امرایی و دیگران) ۱۹

طریق ۲: موسی بن بکر عن الفضیل عن اَبی عبد الله (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۱۵۱، ح ۳۵۵۱).

نقد این روایت: «موسی بن بکر الواسطی» ضعیف است (طوسی، ۱۳۷۶، ص ۳۴۳؛ علامه حلی، ۱۳۸۱، ص ۴۱۵؛ مجلسی، ۱۴۲۰، ص ۱۸۵). وی را واقفی مذهب دانسته‌اند (حرعاملی، ۱۴۲۷، ص ۲۴۶؛ علامه حلی، ۱۴۰۲، ص ۲۵۷). از آنجایی که برخی فقها بر مبنای روایات موسی بن بکر فتاوی صادر کرده‌اند، برخی از رجالیون با ذکر عبارت «روایاته مقبولة مفتی بها» روایات او را مقبولة دانسته‌اند (برای نمونه رک: مازندرانی، ۱۴۱۶؛ ج ۶، ص ۳۴۴) ولی این دلیل قانع‌کننده نیست و وثاقت این شخص برای ما اثبات نگردیده است.

۵. حدّ مساحقه

فقط یک روایت وجود دارد که بر اساس آن علی (ع) زنانی را به جرم مساحقه مجازات نموده است. این روایت که حاکی از گردن زدن و سپس "جنازه‌سوزی" است، از دو طریق نقل شده که هر دو نامعتبر هستند.

متن این روایت: دو زن را که در زیر یک لحاف یافته بودند، نزد علی (ع) آوردند. بعد از اثبات این که بینشان مساحقه صورت گرفته است، علی (ع) دستور داد نطعی^۲ آوردند و آن دو را به آتش سوزانید.

طریق ۱: العباس بن شراعة، غلام اَبی الحسن الرضا، ذکرة ابن اَبی طیّ فی «الإمامة» و ذکر أنه روی عن الحسن بن الربیع، عن سیف التمار، عن جعفر الصادق (ابن حجر، ۱۴۲۳، ج ۴، ص ۴۰۷).

طریق ۲: محمد بن علی بن محبوب، عن بُنان بن محمد، عن العباس غلام لأبى الحسن الرضا (ع) يُعرف بغلام ابن شراعة، عن الحسن بن الربیع، عن سیف التمار، عن اَبی عبد الله (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۵۴؛ همو، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۲۲۰، ح ۸۲۳).

نقد این روایت: در هر دو طریق، «عباس بن شراعة» مشترک و مجهول است (مرتضی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۵۶۸؛ شاهرودی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۳۶۰). همچنین «حسن بن الربیع الهمدانی» در هر دو طریق مشترک و مجهول است (مامقانی، ۱۴۳۱، ج ۱۹، ص ۱۹۸؛ نمازی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۳۸۷؛ مرتضی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۲۹۳). «بُنان بن محمد بن عیسی» در طریق دوم، مجهول است (تفرشی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۰۳؛ علیاری، ۱۴۱۲، ج ۱۲، ص ۴۳۲؛ الکاظمی، ۱۴۰۲، ص ۲۶).

۶. حدّ لواط

درباره‌ی مجازات سوزانیدن مرتکبین به لواط به دستور یا فتوای علی(ع) سه روایت وجود دارد: روایت اول (فتوا به زنده‌سوزی) از ۵ طریق نقل شده که همگی نامعتبر هستند. روایت دوم (فتوا به جنازه‌سوزی) از ۳ طریق نقل شده است. طریق اول و دومش نامعتبر ولی طریق سومش معتبر می‌باشد. روایت سوم (دستور به زنده‌سوزی و سپس بخشودن وی) فقط از طریق نقل شده و به لحاظ سلسله‌ی اسناد معتبر است.

۱.۶ روایت اول

متن این روایت: خالد بن ولید به خلیفه‌ی اول نامه فرستاد و از وی درباره‌ی مجازات مردی که مفعول واقع می‌شود، پرسید. ابوبکر گروهی از صحابه را جمع کرد و از آنان استفتاء نمود. شدیدترین سخن را علی(ع) گفت که: «نَرَىٰ أَنْ نُحَرِّقَهُ بِالنَّارِ». پس اصحاب رسول الله(ص) اجتماع کردند که او را آتش بزنند و ابوبکر نامه به خالد فرستاد که او را آتش بزن. پس او را آتش زدند.

طریق ۱: اخبرنا أبو نصر بن قتادة، و أبو بكر محمد بن إبراهيم الفارسی، قالوا: حدثنا أبو عمرو بن مطر، حدثنا إبراهيم بن علی، حدثنا يحيى بن يحيى، أنبأ عبد العزيز بن أبي حازم، أنبأ داود بن بكر، عن محمد بن منكر، عن صفوان بن سليم. (بيهقي، ۱۴۲۴، ج ۸، ص ۴۰۵، ح ۱۷۰۲۸). کسانی که این روایت را از طریق بیهقی آورده‌اند: (منذری، ۱۴۲۴؛ ج ۳، ص ۱۹۸، ح ۱۰؛ الهیتمی، ۱۲۸۴، ج ۲، ص ۱۵۱؛ شوکانی، ۱۴۲۷، ج ۱۳، ص ۳۰۱).

نقد این طریق: برخی از رجالین نامی، این روایت را «ضعیف جداً» دانسته‌اند (ابن حجر، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۱۰۳) و برخی تصریح کرده‌اند که «منقطع» است (ابن کثیر، ۱۹۹۶، ج ۲، ص ۳۵۶).

طریق ۲: حدثني عبد العزيز بن أبي حازم، عن داود بن بكر، عن محمد بن المنكر (ابن عبد البر، ۱۹۷۶، ج ۵، ص ۳۱۵).

نقد این طریق: این روایت مرسل و منقطع می‌باشد (ابن کثیر، ۱۹۹۶، ج ۲، ص ۳۵۶).

نقد سندی روایات انسان‌سوزی در سیره امام علی (ع) (محمد امرایی و دیگران) ۲۱

طریق ۳: حدثنی معن بن عیسی عن معاویة بن صالح، عن عیاض بن عبدالله (ابن عبدالبر، ۱۹۷۶، ج ۵، ص ۳۱۵).

نقد این طریق: سه تن به نام «عیاض بن عبدالله» وجود دارد که جزو صحابه‌ی پیامبر (ص) بوده‌اند: عیاض بن عبدالله التقفی، عیاض بن عبدالله الضمری و عیاض بن عبدالله بن ابی ذباب المدنی (ابن اثیر، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۲۵-۲۶؛ ابن حجر، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۶۲۸). با توجه به فاصله‌شان با «معاویة بن صالح»، معلوم می‌شود که شخص مورد نظر ما نیستند.

«عیاض بن عبدالله بن سعد بن ابی سرح العامری» جزو تابعین بود. پیامبر (ص) در روز فتح مکه، عبدالله بن سعد را به مصر تبعید کرد و پسرش عیاض نیز همراه وی رفت. عیاض در زمان خلافت ابوبکر، همراه پدرش در تبعید به سر می‌برد (مزنی، ۱۹۸۲، ج ۲۲، ص ۵۶۷، رقم ۴۶۰۷؛ ابن حجر، بی تا، ج ۸، ص ۲۰۰ رقم ۳۶۹) پس نمی‌توانسته شاهد این رخداد باشد.

نفر آخر «عیاض بن عبدالله بن عبدالرحمن فهری» است که جزو تابعین و شاگرد ابن شهاب زهری بود. ابن شهاب خودش نیز جزو تابعین بود که در سال ۵۸ یا ۵۷ هـ.ق. به دنیا آمد (ابن جوزی، ۱۴۱۲، ج ۷، ص ۲۳۱) و در زمان خلفای راشدین اصلاً زنده نبود. بنابراین اگر عیاض مذکور در روایت ما، همین شخص باشد، روایت منقطع است. از طرفی دیگر، این عیاض بن عبدالله توثیق نشده و ابی حاتم درباره وی لفظ «لیس بقوی» را به کار برده است (مزنی، ۱۹۸۲، ج ۲۲، ص ۵۶۹، رقم ۴۶۰۸، بخاری، ۱۳۶۰، ج ۴، رقم ۹۶). همچنین وی را «ضعیف»، «فی حدیثه شیء» و «منکر الحدیث» دانسته‌اند (ابن شاهین، ۱۹۸۴، ص ۱۸۰، رقم ۱۰۹۷؛ ابن حجر، بی تا، ج ۸، ص ۲۰۱، رقم ۳۷۰). مسلم، ابوداؤد، نسائی و ابن ماجه او را دارای «لین» می‌دانستند (بُنداری، ۱۹۹۳، ج ۳، ص ۲۰۸، رقم ۷۰۹۳).

طریق ۴: عن جعفر بن محمد عن عبدالله بن میمون القُداح عن ابی عبدالله (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۱۲).

نقد این طریق: هیچ کدام از رجال یون شیعه «جعفر بن محمد بن عبیدالله الأشعری» را توثیق نکرده‌اند (نوری، ۱۴۲۹، ج ۲۵، ص ۲۲۱؛ استرآبادی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۲۲۳؛ خویی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۸۳) و لذا روایتش نامعتبر است.

طریق ۵: أخبرنا عبدالله أخبرنا محمد حدثنی موسی^۳ قال حدثنا ابی^۴ عنأبیه^۵ عن جدّه جعفر بن محمد عن أبیه عن جدّه (ابن اشعث، بی تا، ص ۱۲۶). محدث نوری، همین روایت را از ابن اشعث نقل کرده است (نوری، ۱۴۲۹، ج ۱۸، ص ۷۹، ح ۲۲۰۹۹).

نقد این طریق: هویت «عبدالله» مشخص نیست. اگر منظور «عبدالله بن محمد بن محمد بن الأشعث» باشد، که هیچ نشانی از وی در کتب رجال نیست و مهمل است. ضمناً در این صورت می‌بایست بگوید: «أخبرنا عبدالله، أخبرنا أبي». همچنین هیچ‌کدام از رجالیون «موسی بن اسماعیل بن موسی الکاظم» را توثیق ننموده است (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۴۱۰؛ برقی، ۱۳۴۲، ص ۳۵۴؛ حسینی حلی، ۱۴۲۸، ص ۳۸۲؛ اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۲۷۱؛ شوشتری، ۱۴۱۰، ج ۱۰، ص ۲۶۷؛ مرعی، ۱۴۱۷، ص ۲۲۵) و وی مجهول است (مرتضی، ۱۴۲۶، ج ۲، ص ۴۸۱).

۲.۶ روایت دوم

متن این روایت: مردی را نزد خلیفه‌ی دوم آوردند که مفعول واقع می‌شد. بعد از اثبات قضیه، عمر بن خطاب از علی (ع) استفتاء نمود. علی (ع) فرمود: «أرى فيه أن تضرب عنقه» پس گردنش را زدند. بعد از این که گردنش را زدند، علی (ع) فرمود او را نگه دارید که عقوبتی دیگرش مانده است. به دستور علی (ع) هیزم آوردند و جنازه‌ی آن شخص را آتش زدند.

طریق ۱: محمد بن یحیی عن أحمد بن محمد عن يوسف بن الحارث عن محمد بن عبد الرحمن العرزمي عن أبيه عبد الرحمن عن أبي عبد الله عن أبيه (ع). (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۱۹۹، ح ۵؛ مجلسی، ۱۴۳۰، ج ۴۰، ص ۲۹۴). علامه مجلسی این روایت را مجهول دانسته است (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۳، ص ۳۰۳، ح ۵).

طریق ۲: محمد بن أحمد بن یحیی عن يوسف بن الحارث عن محمد بن عبد الرحمن العرزمي عن أبيه عبد الرحمن عن أبي عبد الله عن أبيه عن آبائه (ع) (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۵۲، ح ۱۹۵).
نقد این دو طریق: «یوسف بن الحارث الکمیدانی» در هر دو طریق مشترک و مجهول است (مامقانی، بی تا، ج ۳، ص ۳۳۵؛ شوشتری، ۱۴۱۰، ج ۱۱، ص ۱۵۱؛ نمازی، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۲۸۷؛ ساعدی، ۱۴۲۶، ج ۳، ص ۴۶۶). همچنین «محمد بن عبد الرحمن العرزمی» در هر دو طریق مشترک و مجهول است (مامقانی، بی تا، ج ۳، ص ۱۳۸؛ مرتضی، ۱۴۲۶، ج ۲، ص ۳۳۰) رجالیون سنی نیز وی را متروک می‌دانند (به نقل از: شبستری، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۱۱۷).

طریق ۳: أبو علی الأشعري عن الحسن بن علی الكوفي عن العباس بن عامر عن سيف بن عميرة عن عبد الرحمن العرزمي قال سمعت أبا عبد الله (ع). (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۱۹۹، ح ۶؛ طوسی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۲۱۹؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۵۲، ح ۱۹۳).

نقد سندی روایات انسان‌سوزی در سیره امام علی (ع) (محمد امرایی و دیگران) ۲۳

نقد این طریق: علامه مجلسی این روایت را صحیح دانسته است (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۳، ص ۳۰۴). ما نیز آن را معتبر می‌دانیم.

برای توثیق «أبوعلی الأشعری، أحمد بن إدريس» بنگرید: (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۹۲؛ علامه حلی، ۱۴۰۲، ص ۱۶؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰، ص ۱۵؛ بحرانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۰۰؛ مامقانی، ۱۴۳۱، ج ۵، ص ۲۸۷؛ مازندرانی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۲۳۱؛ علیاری، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۱۵).

برای توثیق «حسن بن علی بن عبد الله الكوفي» بنگرید: (مجلسی، ۱۴۲۰، ص ۵۷؛ استرآبادی، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۱۰۷؛ خویی، ج ۶، ص ۴۵؛ مامقانی، ۱۴۳۱، ج ۲۰، ص ۱۹۱؛ نوری، ۱۴۲۹، ج ۲۲، ص ۲۴۵؛ شوشتری، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۳۲۷؛ مازندرانی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۴۲۵).

برای توثیق «عباس بن عامر بن رباح الثقفي القصباني» بنگرید: (اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۴۳۱؛ خویی، ۱۴۱۳، ج ۱۰، ص ۲۴۶؛ تفرشی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۲۱؛ شوشتری، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۱۴؛ مازندرانی، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۶۶؛ استرآبادی، ۱۴۲۲، ج ۶، ص ۲۹۱).

برای توثیق «سيف بن عميرة النخعي» بنگرید: (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۱۸۹؛ طوسی، ۱۴۲۰، ص ۲۲۴؛ علامه حلی، ۱۳۸۱، ص ۲۳۰؛ برقی، ۱۳۴۲، ص ۱۸۲؛ استرآبادی، ۱۴۲۲، ج ۶، ص ۱۴۱).

برای توثیق «عبدالرحمن بن محمد العزمي» بنگرید: (حرعاملی، ۱۴۲۷، ص ۱۵۱؛ حسینی حلی، ۱۴۲۸، ص ۲۱۰؛ تفرشی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۵۵؛ استرآبادی، ۱۴۲۲، ج ۶، ص ۳۶۲؛ مرتضی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۵۸۶؛ مازندرانی، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۱۱۶).

۳.۶ روایت سوم

متن این روایت: علی (ع) در میان جمعی از یارانش بود که مردی آمد و گفت «ای امیرالمومنین من با پسری لواط کردم، مرا پاک کن». امام فرمود «به خانه‌ات بازگرد، شاید افکارت پریشان شده است». فردا دوباره آمد و همین را اقرار کرد و امام نیز همان پاسخ را داد. این ماجرا تا سه بار ادامه پیدا کرد. بار چهارم علی (ع) به وی فرمود: «رسول الله درباره‌ی فردی مانند تو سه حکم کرده است، هر کدام را خواستی برگزین» گفت «آنها چیست؟» امام فرمود «یک ضربه با شمشیر بر گردنت تا هر جا که رسید؛ یا پرتاب از کوه با دست و پای بسته؛ یا سوزاندن با آتش». گفت «ای امیرالمومنین، کدام یک بر من شدیدتر است؟» فرمود «سوزاندن با آتش». گفت «پس آن [=آتش] را برگزیدم ای امیرالمومنین». امام فرمود اسباب کار را فراهم کن. گفت باشد. [آن لوطی] دو رکعت نماز گزارد و سپس نشست و در تشهدش گفت «خدایا من با گناهی که

می‌دانم، [به درگاہت] آمده‌ام؛ و من از آن ترسیدم؛ پس نزد وصی رسولت و پسرعموی پیامبرت آمدم و از او خواستم تا مرا پاک کند. پس مرا بین سه نوع عذاب مختار کرد. خدایا من اشد آنها را برگزیدم. خدایا از تو می‌خواهم که آن را کفاره‌ی گناهم قرار دهی و مرا در آخرتم به آتش نسوزانی» سپس درحالی که می‌گریست، برخاست تا در گودالی که امیرالمومنین برایش کنده بود، بنشیند. آتش به اطراف زبانه می‌کشید. امیرالمومنین گریست و جمیع یارانش گریستند. امیرالمومنین گفت: «برخیز! فرشتگان آسمان و زمین را به گریه انداختی. خدا توبه‌ات را پذیرفت. برخیز و دیگر چنین کاری نکن.»

سند این روایت: *علی بن ابراهیم، عن ابيه، عن الحسن بن محبوب، عن ابن رثاب، عن مالک بن عطیة، عن ابي عبدالله (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۲۰۱، ح ۱؛ طوسی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۲۲۰، ح ۸۲۲؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۵۳، ح ۷).*

نقد این روایت: این روایت مورد استناد برخی از فقها برای حکم لواط واقع شده است (بنگرید: حرعاملی، ۱۴۱۴، ج ۲۸، ص ۱۶۱؛ شهید ثانی، ۱۴۳۷، ج ۴، ص ۳۰۱؛ گلپایگانی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۱۱). این خبر، فقط یک طریق دارد و نخستین بار کلینی آن را نقل کرده است و متأخرین آن را به نقل از کلینی یا طوسی آورده‌اند. این روایت در هیچ یک از منابع سنی (نه در کتب فقهی، نه در کتب تاریخی-روایی) نیامده است. در عصر نبوی (ص) و در عصر امامان شیعه (ع) هیچ‌جا خبری از چنین فتوایی نیست. روایت پیشین (طریق سوم روایت شماره‌ی دوم) که سندش نیز کاملاً صحیح است، در تضاد آشکار با این روایت قرار دارد. بیشتر ذکر کردیم که گاه حدیثی با وجود بی‌اشکال بودن سلسله‌ی اسنادش، مورد تأیید علما واقع نمی‌شود و به آن «خبر مردود» می‌گویند (مدیر شانه‌چی، ۱۳۷۲: ص ۷۶). هیچ‌کدام از رجالیون «ابراهیم بن هاشم» را صریحاً توثیق نکرده‌اند و البته طعنی هم بر وی نکرده‌اند (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۱۶؛ طوسی، ۱۳۷۶، ص ۳۵۳). علامه حلی درباره‌ی وی می‌نویسد: «در قذح یا تعدیل وی کسی از اصحاب ما چیزی نگفته و ارجح، قبول قول اوست» (علامه حلی، ۱۳۸۱، ص ۴) احتمالاً به دلیل همین عدم توثیق صریح ابراهیم بن هاشم است که علامه مجلسی این روایت را «حسن» دانسته است (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۳، ص ۳۰۶).

۷. نتیجه‌گیری

در منابع تاریخی - حدیثی، روایاتی وجود دارد مبنی بر این که امام علی (ع) در موارد متعدد دستور سوزاندن برخی افراد را صادر کرده است. در برخی موارد، «زنده سوزاندن» با «سوزاندن

جسد» خلط و یا جعل گردیده است. روایات مزبور را باید به‌عنوان یک کُلّ در نظر گرفت و با شیوه‌های فقه‌الحدیثی میان‌شان جمع نمود تا روایات «جنازه سوزی» با روایات «زنده سوزی» خلط نشود، ولی از آن‌جایی که قصد ما در مقاله‌ی پیش‌رو فقط نقد سندی روایات بوده است، متعرض این کار نشدیم. پژوهش حاضر، نشان می‌دهد که روایات «زنده سوزی» غالباً دارای ضعف اسنادی و یا اضطراب در متن هستند و این احتمال هم می‌رود مُراد، سوختن جنازه‌ی فرد پس از اعدام وی بوده است. برخی از روایات «جنازه سوزی» و نیز برخی از روایات «خفگی با دود آتش» به‌لحاظ سندی، معتبر می‌باشند. در پاره‌ای موارد -مانند مرتدی که قتلش واجب است- علی (ع) ساده‌ترین و بی‌دردترین راه کشتن را برگزیده که همان مرگ به‌وسیله‌ی استنشاق دود آتش است، نه زنده سوزاندن با آتش. به‌عنوان جمع‌بندی نهایی، روایات مورد بررسی در پژوهش حاضر را به صورت زیر دسته‌بندی می‌نماییم:

عبدالله بن سبأ و یارانش

- | | | |
|---|--|---|
| روایت اول (ظاهراً زنده‌سوزی) | ▶ نامعتبر: مهمل بودن محمد بن عثمان + مجهولی سنان بن سنان | } |
| روایت دوم (ظاهراً زنده‌سوزی) | ▶ به‌لحاظ سندی بلاشکال است | |
| روایت سوم (خفگی با دود + تبعید ابن سبأ) | ▶ نامعتبر: مجهولی علی بن محمد النوفلی | |

سوزاندن گروهی از غالیان

- | | | |
|-------------------------|---|---|
| روایت اول (جنازه‌سوزی) | ▶ نامعتبر: عدم توثیق خارجه بن مصعب + مهمل بودن سلام بن ابی قاسم | } |
| روایت دوم (جنازه‌سوزی) | ▶ نامعتبر: عدم توثیق خارجه بن مصعب + متروکی عثمان بن ابی عثمان - الأنصاری | |
| روایت دوم (زنده‌سوزی) | ▶ طریق ۱ نامعتبر: مجهولی موسی بن یسار + مجهولی شریک بن عدی | } |
| روایت سوم (خفگی با دود) | ▶ طریق ۲ نامعتبر: مجهولی محمد بن علی الحداد + ضعف مسعدة بن صدقه | |
| ▶ طریق ۱ معتبر | ▶ طریق ۲ معتبر | } |

زطهای غالی (خفگی با دود)

- طریق ۱ ← معتبر
طریق ۲ ← نامعتبر: ضعف صالح بن سهل + مجهولی «رجل».
طریق ۳ ← نامعتبر: ضعف صالح بن سهل + مجهولی الحسن بن بندار

مرتدان / زنادقه

- روایت ۱ (جنازه سوزی) ← نامعتبر: ضعف حسن بن زیاد اللؤلؤی + ضعف اسرائیل بن یونس السبیبی
روایت ۲ (جنازه سوزی) ← نامعتبر: ضعف یونس بن ارقم الکندی
روایت ۳ (خفگی با دود) ← نامعتبر: مجهولی عبدالله بن إسحاق + مجهولی حسن بن علی بن سلیمان
روایت ۴ (ظاهراً زنده سوزی) ← نامعتبر: ضعف أبوبکر بن عیاش
روایت ۵ (ظاهراً زنده سوزی) ← نامعتبر: منقطع است
روایت ۶ (زنده سوزی) ← نامعتبر: ضعف عکر مه البربری

بت پرستان

- روایت اول (زنده سوزی) ← در هر ۴ طریق «أنس بن مالك بن النضر» دشمن علی (ع) بود + مرفوع است
روایت دوم (زنده سوزی) ← در هر ۲ طریق «موسی بن بکر الواسطی» ضعیف است.

مساحقه (جنازه سوزی)

- طریق ۱ ← نامعتبر: مجهولی عباس بن شراعة + مجهولی حسن بن الربیع
طریق ۲ ← نامعتبر: مجهولی عباس بن شراعة + مجهولی حسن بن الربیع + مجهولی بُنان بن محمد

لواط



پی‌نوشت‌ها

۱. نام درست این شخص «علی بن عبدالله المدینی» است و نباید او را با «أبو الحسن المدائنی» اشتباه گرفت. توثیق وی در: (ذهبی، ۱۹۶۳، ج ۱۳، ص ۱۳۸، رقم ۵۸۷۴).
۲. نطع: سفره‌ای چرمی بود که موقع گردن زدن، در زیر متهم قرار می‌دادند تا خونسش زمین را آلوده نکند (الفیروزآبادی، ۱۹۹۸: ص ۷۶۷؛ ابن منظور، ۱۳۰۰: ج ۸، ص ۳۵۷؛ معین، ۱۳۸۶: ج ۲، ص ۱۹۴۶). از اینجا می‌توان فهمید که بر فرض صحّت این روایت، علی (ع) ابتدا آنها را گردن زده، سپس جنازه‌شان را سوزانیده است.
۳. وی «موسی بن اسماعیل بن موسی الکاظم» است.
۴. وی «اسماعیل بن موسی الکاظم» است.
۵. وی امام کاظم (ع) است.

٦. بحارالانوار تصریح دارد که آن را از کافی نقل کرده، اما اشتباهی این شخص را «محمدبن‌أحمد» و شخص بعدی را «سیف‌بن‌حارث» نوشته است.

کتاب‌نامه

- ابن‌ابی‌الحدید، (۱۴۲۸ق)، شرح نهج البلاغة، بغداد: دارالکتب العربی.
- ابن‌ابی‌شیبہ، عبدالله بن محمد، (۱۴۲۹ق)، المصنف، قاهرة: الفاروق الحدیث.
- ابن‌اثیر، عزالدین، (۱۴۰۹ق)، أسد الغابة فی معرفة الصحابة، بیروت: دارالفکر.
- ابن‌اشعث، محمد بن محمد، (بی‌تا)، الجعفریات، تهران: مکتبة النبیوی الحدیث.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، (۱۴۱۲ق)، المنتظم، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ابن حبان، محمد بن حبان بن أحمد، (۱۹۷۳م)، الثقات، حیدرآباد: مطبعة مجلس دائرة المعارف العثمانیة.
- ابن حجر العسقلانی، أحمد بن علی، (۱۴۱۵ق)، الإصابة فی تمييز الصحابه، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ابن حجر العسقلانی (۱۳۵۶ق)، تقریب التهذیب، هند: دارالعاصمة.
- ابن حجر العسقلانی (بی‌تا)، تهذیب التهذیب، القاهرة: دارالکتب الإسلامی.
- ابن حجر العسقلانی (۱۳۸۴ق)، الدرایة فی تخریج أحادیث الهدایة، بیروت: دارالمعرفة.
- ابن حجر العسقلانی (۱۴۲۳ق)، لسان المیزان، بیروت: دارالبشائر الإسلامیة.
- ابن داود وحلی، حسن بن علی، (۱۳۴۲ش)، الرجال، تهران: دانشگاه تهران.
- ابن سعد، محمد، (۱۴۱۰ق)، طبقات الکبری، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ابن شاهین، أبو حفص عمر، (۱۹۸۴م)، تاریخ أسماء الثقات، الكويت: دارالسلفیة.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، (۱۳۸۰ق)، معالم العلماء، نجف: المطبعة الحیدریة.
- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، (۱۹۷۶م)، التمهید، المغرب: مصلحة إحياء التراث.
- ابن العربی، أبو بکر، (بی‌تا)، عارضة الأحوزی بشرح صحیح الترمذی، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ابن الغضائری، احمد بن حسین، (۱۴۲۲ق)، الرجال، قم: دارالحدیث.
- ابن کثیر، إسماعیل بن عمر، (۱۹۹۶م)، إرشاد الفقیه إلى معرفة أدلة التنبیة، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- ابن کثیر، إسماعیل بن عمر (۱۹۹۹م)، تفسیر القرآن العظیم، الرياض: دارالطبیة، الطبعة الثانية.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۳۰۰ق)، لسان العرب، بیروت: دارصادر.
- أبی حاتم الرازی، أبی محمد عبدالرحمن، (۱۹۵۳م)، الجرح و التعذیل، بیروت: دارالکتب العلمیة.

نقد سندی روایات انسان‌سوزی در سیره امام علی (ع) (محمد امرایی و دیگران) ۲۹

- أبی داؤد السجستانی، سلیمان بن الأشعث، (۱۴۲۰ق)، سنن أبی داؤد، الرياض: بیت الأفكار الدوليّة
- أبی داؤد الطیالسی، سلیمان بن داود بن الجارود، (۱۴۲۰ق)، مسند أبی داؤد الطیالسی، قاهره: دارهجر
- أبی یعلی الموصلی، أحمد بن علی بن المثنی، (۲۰۰۵م)، مسند أبی یعلی، بیروت: دارالمعرفة
- أحمد بن حنبل، (۱۴۱۹ق)، مسند، الرياض: بیت الأفكار الدوليّة.
- اردبیلی، محمد بن علی، (۱۴۰۳ق)، جامع الرواة وإزاحة الإستباهات عن الطرق والأسناد، بیروت: دارالأضواء.
- استرآبادی، محمد بن علی، (۱۴۲۲ق)، منهج المقال فی تحقیق أحوال الرجال، قم: مؤسسه آل‌البیت لإحياء التراث.
- بحرالعلوم، محمد مهدي بن مرتضى، (۱۳۶۳ش)، الفوائد الرجالية، تهران: مكتبة الصادق.
- بحرانی، سلیمان بن عبدالله، (۱۴۱۲ق)، معراج أهل الكمال إلى معرفة الرجال، بی‌جا: عبدالزهراء العویناتی.
- البخاری، محمد بن اسماعیل، (۳۶۰ق)، التاريخ الكبير، حیدرآباد: دائرة المعارف.
- البخاری، محمد بن اسماعیل، (۴۲۳ق)، صحيح البخاری، دمشق: دار ابن کثیر.
- برقی، احمد بن محمد، (۱۳۴۲ش)، الرجال، تهران: دانشگاه تهران.
- برقی، احمد بن محمد (۱۳۷۱ق)، المحاسن، قم: دارالکتب الإسلامیة، الطبعة الثانية.
- بلاذری، احمد بن یحیی، (۱۴۱۷ق)، أنساب الأشراف، بیروت: دارالفکر.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۹۸۸)، فتوح البلدان، بیروت: دار و مكتبة الهلال.
- البنداری، عبدالغفار سلیمان؛ حسن، سید کسروی، (۱۹۹۳م)، موسوعة رجال الکتب التسعة، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- البیهقی، أحمد بن الحسين، (۱۴۲۴ق)، السنن الكبرى، بیروت: دارالکتب العلمیة، ط الثالثة.
- البیهقی، أحمد بن الحسين (۱۹۹۱)، معرفة السنن والآثار، قاهره: دارالوفاء
- الترمذی، محمد بن عیسی، (۱۴۱۷ق)، سنن الترمذی، الرياض: مكتبة المعارف.
- تفرشی، مصطفی بن حسین، (۱۳۷۷ش)، نقد الرجال، قم: مؤسسه آل‌البیت لإحياء التراث.
- جعفریان، رسول، (۱۳۹۰)، «بررسی چند روایت تاریخی در باب غالیان عصر خلافت امام علی»، پژوهش‌های تاریخی، سال سوم، شماره چهارم (پیاپی ۱۲)، دانشگاه اصفهان.
- الجوینی، إبراهيم بن محمد بن المؤید، (۱۴۲۸ق)، فرائد السمطين، قم: دارالحبيب.
- حاجی زاده، یدالله، (۱۳۹۴)، غالیان و شیوه‌های برخورد امامان معصوم "ع" با ایشان، قم: نشر معارف.

٣٠ پژوهشنامه علوی، سال ١٣، شماره ٢، پاییز و زمستان ١٤٠١

الحرّ العاملي، محمد بن حسن، (١٤١٤ق)، تفصيل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، قم: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث.

الحرّ العاملي، محمد بن حسن (١٤٢٧ق)، الرجال، قم: موسسه علمي فرهنگي دارالحدیث.

حسيني حلي، حسين بن كمال الدين، (١٤٢٨ق)، زبدة الأقوال في خلاصة الرجال، قم: دارالحدیث.

الحميدي، عبدالله بن الزبير بن عيسى، (١٩٩٦م)، مسند الحميدي، دمشق: دارالسقا.

خان صنمى، شعبانعلی و دیگران (١٣٩٨)، «تحليل احراق انسان توسط امام على "ع" در روایات»، دوفصلنامه پژوهشنامه علوی، سال دهم، شماره اول.

خسروشاهی، هادی، (١٣٨٦ش)، عبدالله بن سبأ بين الواقع والخيال، تهران: كلبه شروق.

الخويي، أبو القاسم، (١٤١٣ق)، معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرواة، بی جا: بی نا، الطبعة الخامسة.

الدارقطني، علي بن عمر، (١٤٢٢ق)، سنن دارقطني، بيروت: دارالمعرفة.

الدارقطني، علي بن عمر (١٤٠٤ق)، الضعفاء والمتروكين، رياض: مكتبة المعارف.

الذهبي، شمس الدين محمد، (١٤١٣ق)، تاريخ الإسلام، بيروت: دارالكتاب العربي، ط الثانية.

الذهبي، شمس الدين محمد (١٩٥٨م)، تذكرة الحفاظ، بيروت: دارالكتب العلمية.

الذهبي، شمس الدين محمد (٢٠٠٤م)، تهذيب تهذيب الكمال، القاهرة: فاروق الحديثية.

الذهبي، شمس الدين محمد (١٩٦٧م)، ديوان الضعفاء والمتروكين، مكة: مكتبة النهضة الحديثة.

الذهبي، شمس الدين محمد (١٩٩٦م)، سير أعلام النبلاء، بيروت: مؤسسة الرسالة، ط الحادية عشرة.

الذهبي، شمس الدين محمد (١٤٢٢ق)، المهذب في اختصار السنن الكبير للبيهقي، الرياض: دارالوطن.

الذهبي، شمس الدين محمد (١٩٦٣)، ميزان الاعتدال في نقد الرجال، بيروت: دارالمعرفة.

زراري، احمد بن محمد، (١٤١١ق)، رسالة أبي غالب الزراري إلى ابن ابنه في ذكر آل أعين، قم: مركز البحوث و التحقيقات الإسلامية.

ساعدي، حسين، (١٤٢٦ق)، الضعفاء من رجال الحديث، قم: دارالحدیث.

الشافعي، محمد بن إدريس، (بی تا)، مسند الإمام الشافعي، بيروت: دارالكتب العلمية

شبهستري، عبد الحسين، (١٤١٨ق)، الفائق في رواية و أصحاب الإمام الصادق (ع)، قم: مؤسسة النشر الإسلامي.

شوشتری، محمد تقی، (١٤١٠ق)، قاموس الرجال، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ط الثانية.

الشوكانی، محمد بن علی، (١٤٢٧ق)، نیل الأوطار من أسرار متتقی الأخبار، الرياض: دار ابن الجوزی.

نقد سندی روایات انسان سوزی در سیره امام علی (ع) (محمد امرای و دیگران) ۳۱

الشهيد الثاني، زين الدين العاملي، (١٩٦٠م)، الدراية في علم مصطلح الحديث، نجف: مطبعة النعمان.
الشهيد الثاني، زين الدين العاملي (١٤٣٧ق)، الروضة البهية في شرح اللمعة دمشقية، قم: مجمع الفكر الإسلامي.

صبحي، أحمد محمود، (١٩٩١م)، نظرية الإمامة عند الشيعة الإثني عشرية، بيروت: دار نهضة العربية.
صدوق، محمد بن علي بن بابويه، (١٤١٣ق)، من لا يحضره الفقيه، قم: دفتر انتشارات اسلامي، ط الثانية.
الصنعاني، أبو بكر عبد الرزاق بن همام، (١٩٧٢م)، المصنّف، بيروت: المجلس العلمي.
الطبراني، سليمان بن أحمد، (١٩٩٥م)، المعجم الأوسط، القاهرة: دار الحرمين.
الطبراني، سليمان بن أحمد، (١٤٠٤ق) المعجم الكبير، القاهرة، مكتبة ابن تيمية، ط الثانية.
الطبري، محمد بن جرير، (١٤١٢ق)، جامع البيان في تفسير القرآن، بيروت: دار المعرفة.
الطحاوي، أحمد بن محمد بن سلامة، (١٩٩٤م)، شرح مشكل الآثار، بيروت: مؤسسة الرسالة.
الطحاوي، أحمد بن محمد بن سلامة (١٤٢٦ق)، مسند، دبي: مكتبة الحرمين.
الطوسي، محمد بن الحسن، (١٣٩٠ق)، الإستبصار فيما اختلف من الأخبار، تهران: دار الكتب الإسلامية.
الطوسي، محمد بن الحسن (١٤٠٧ق)، تهذيب الأحكام، تهران: دار الكتب الإسلامية، چاپ چهارم.
الطوسي، محمد بن الحسن (١٣٧٦ش)، رجال الطوسي، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، چاپ سوم.
الطوسي، محمد بن الحسن (١٤٢٠ق)، فهرست كتب الشيعة وأصولهم وأسماء المصنفين وأصحاب الأصول، قم: مكتبة المحقق الطباطبائي.

طه حسين، (١٩٧٠م)، الفتنة الكبرى على و بنوه، مصر: دار معارف
عابدي سرآسيا، علي رضا؛ اميني، اعظم (١٣٩٦)، «حكم فقهی مجازات انسان زنده با سوزاندن در مذاهب اسلامی» دو فصلنامه فقه مقارن، شماره نهم.

العجلى، أحمد بن عبد الله، (١٩٨٤م)، تاريخ الثقات، بيروت: دار الكتب العلمية.
عسكري، مرتضى، (٢٠٠٠م)، الاسطورة السبئية، بي جا: مؤتمر تكريم السيد مرتضى العسكري.
علامة حلي، حسن بن يوسف (١٣٨١ش)، ترتيب خلاصة الأقوال في معرفة الرجال، مشهد: آستان قدس رضوي.

علامة حلي، حسن بن يوسف (١٤٠٢ق)، رجال العلامة الحلي، قم: الشريف الرضي.
عليار تبريزي، علي بن عبد الله، (١٤١٢ق)، بهجة الآمال في شرح زبدة المقال، تهران: بنياد فرهنگ اسلامي
كوشانپور، چاپ دوم.

- العقيلي، محمدبن عمرو، (١٤٢٩ق)، الضعفاء، قاهرة: دار مجدالإسلام.
- الفيروزآبادي، محمدبن يعقوب، (١٩٩٨)، القاموس المحيط، بيروت: الرسالة، الطبعة السادسة.
- الكاظمي، محمد أمين، (١٤٠٢ق)، هداية المحدثين إلى طريقة المحمدين، قم: مكتبة آية الله المرعشي.
- الكشي، محمدبن عمر، (١٤٠٤ق)، اختيار معرفة الرجال، قم: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث.
- كلباسي، محمدبن محمدابراهيم، (١٤٢٢ق)، الرسائل الرجالية، قم: دارالحدیث.
- الكليني، محمدبن يعقوب، (١٤٠٧ق)، الكافي، تهران: دارالكتب الإسلامية، ط الرابعة.
- الگليپگانى، محمد رضا (١٤١٤ق)، الدر المنضود فى أحكام الحدود، قم: دارالقرآن الكريم.
- مازندراني حائري، محمدبن اسماعيل، (١٤١٦ق)، منتهى المقال فى أحوال الرجال، قم: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث.
- مامقاني، عبدالله، (١٤٣١ق)، تنقيح المقال فى علم الرجال، قم: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث.
- مامقاني، عبدالله، (بى تا)، تنقيح المقال فى علم الرجال (چاپر حلى)، بى جا: بى نا.
- المجلسي، محمدباقر، (١٤٣٠ق)، بحار الأنوار، قم: نور وحي.
- المجلسي، محمدباقر (١٤٠٤ق)، مرآة العقول فى شرح أخبار آل الرسول، تهران: دارالكتب الإسلامية، ط الثانية.
- المجلسي، محمدباقر (١٤٢٠ق)، الوجيزة فى الرجال، تهران: بخش انتشارات همایش بزرگداشت علامه مجلسي.
- مدير شانه چي، كاظم، (١٣٧٢ش)، دراية الحديث، قم: دفتر انتشارات اسلامي، چاپ پنجم.
- المديني، على بن عبدالله، (١٩٨٠م)، العلل، بيروت: المكتب الإسلامي، الطبعة الثانية.
- مرتضى، السيد بسام، (١٤٢٦ق)، زبدة المقال من معجم الرجال، بيروت: دار المحجة البيضاء.
- مرعى، الشيخ حسين عبدالله، (١٤١٧ق)، منتهى المقال فى الدراية و الرجال، بيروت: مؤسسة العروة الوثقى.
- المزى، جمال الدين يوسف، (١٩٨٢م)، تهذيب الكمال فى أسماء الرجال، بغداد: مؤسسة الرسالة.
- المظاهري، حسين، (١٤٢٨ق)، الثقات الأخيار من رواة الأخبار، قم: مؤسسة الزهراء الثقافية الدراسية.
- معين، محمد، (١٣٨٦ش)، فرهنگ فارسى، تهران: أدنا، چاپ چهارم.
- مفيد، محمدبن محمدبن نعمان، (١٤١٣ق)، الإرشاد، قم: كنگره شيخ مفيد.
- المنذرى، عبدالعظيم بن عبدالقوى، (١٤٢٤ق)، الترغيب و الترهيب من الحديث الشريف، بيروت: دارالكتب العلمية، ط الثالثة.

نقد سندی روایات انسان‌سوزی در سیره امام علی (ع) (محمد امرایی و دیگران) ۳۳

الناصری، ریاض محمدحبيب، (۱۴۱۹ق)، الواقفیه، مشهد: المؤتمر العالمی للإمام الرضا.
النجاشی، احمدین علی، (۱۳۶۵ش)، رجال النجاشی، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ط السادسة.
نراقی، ابوالقاسم بن محمد، (۱۴۲۲ق)، شعب المقال فی درجات الرجال، قم: کنگره بزرگداشت محققان
ملا مهدي و ملا احمد نراقی، ط الثانية.

النسائی، أحمد بن شعيب، (۱۴۳۳ق)، السنن الكبرى، القاهرة: دارالتأصيل.
النسائی، أحمد بن شعيب (۱۴۰۵ق)، الضعفاء والمتروكين، بيروت: مؤسسة الكتب الثقافية.
النمازی الشاهرودی، علی، (۱۴۲۲ق)، مستطرفات المعالی، تهران: موسسه نبأ.
النمازی الشاهرودی، علی (۱۴۱۴ق)، مستدرکات علم رجال الحديث، تهران: فرزند مؤلف.
نوری، حسین بن محمدتقی، (۱۴۲۹ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بيروت: مؤسسة آل البيت
لإحياء التراث.

الهيتمي، ابن حجر المكي، (۱۲۸۴ق)، الزواجر عن اقتراف الكبائر، القاهرة: مطبعة الخديوية.

